

تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم

جمفر شهری باف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم:
زندگی، کسب و کار، ۶ جلد، قطع وزیری، ۴۳۴۵ صفحه و ۸۵۷
قطعه عکس و سند، تهران، انتشارات اسماعیلیان،
۱۳۶۷-۱۳۶۸.

۳۶۸

تاریخ اجتماعی تهران دانشنامه‌ای است از مکان‌ها، حرفه‌ها، و اصناف مردم تهران در قرن سیزدهم براساس خاطرات و مشاهدات هفتادساله نویسنده. این کتاب گسترش یافته و کامل شده کتاب گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم است که در سال ۱۳۵۷ به بازار عرضه شد. مطالب آن کتاب نیز پیش از آن از برنامه «فرهنگ و مردم» رادیو ایران، زیر نظر مردمشناس فقید، زنده‌یاد انجوی شیرازی، به مرور پخش می‌شد. از آن کتاب خوب استقبال شد، حتی در اروپا و آمریکا نیز - البته بدون اجازه نویسنده - دوبار به چاپ رسید و خوب فروش کرد و نام نویسنده را بر سر زبان‌ها انداخت. توجه اهلی کتاب و دستیابی به «احصائیة بلدیه» در سال ۱۳۰۱ شمسی، که حاوی فهرست کاملی از اماکن شهر و بیش از ۵۰۰ حرفه بود، نویسنده صاحب سخن را بر سر حرف آورد و بر آن داشت تا همت بلند گرداند و با تلاشی دهساله، از پاییز ۱۳۵۷ تا تابستان ۱۳۶۷، دانشنامه‌ای از مکان‌ها و حرفه‌های تهران قدیم فراهم کند. آنچه در این اثر تصویر شده خاطرات و مشاهدات و دیدگاه‌های نویسنده از تهران در اوایل قرن کنونی است؛ یعنی دوران فروپاشی قاجاریه و برآمدن پهلوی. پس بجا است که ابتدا نویسنده و طرز فکر او را، که به نسلی کوشا از طبقه متوسط تعلق دارد، بشناسیم. نویسنده کتاب در آستانه جنگ جهانی اول در خانواده‌ای زحمتکش و تنگدست به دنیا آمده؛ در دوران افول قاجاریه و برآمدن پهلوی کودک دبستانی بوده؛ در دوره رضاشاه به کسب و کار پرداخته و، سرانجام، صاحب حجره‌ای در بازار شده و آنگاه در سعدآباد خانه کرده است. وی در دوران زندگی با جماعت بزرگی از مردمان اداری و بازاری و انواع اصناف شهری آشنا بوده و با

بسیاری از آنان خویشی و دوستی و رفت و آمد داشته است. زندگی در بازار همراه با ذوق نویسندگی و تأمل در اجتماعیات و آداب و رسوم و شیوه زندگی مردم و روابط اجتماعی آنان مجموعه دانسته‌ها و عقاید و آراء او را شکل داده است. نویسنده به ایران و ایرانی عشق می‌ورزد و مردم کوچک و بازار کشورش را دوست می‌دارد؛ سعدی را پیر و مراد خود می‌داند؛ پادشاهان مستبد و عاملان حکومت و اعیان و اشراف و ... و بازاریان آزمند را به زیر تیغ انتقاد می‌کشد؛ از قاجاریه دلخوش نیست؛ امیرکبیر و دکتر مصدق را می‌ستاید؛ و کارهای رضاشاه را، با تأکید پر کم و کاستی هایش، ارج می‌گذارد. وی همچون بسیاری از مردان نسل خویش، بیمارگونه توهم توطئه دارد و زیر هر کاسه‌ای نیم‌کاسه دست پنهانی و توطئه‌گر «سیاست انگلیس» را می‌بیند. این تمایلات بر سراسر کتاب شش جلدی تاریخ اجتماعی تهران سایه افکنده و در لابه‌لای مطالب و حتی در توضیح عکس‌های کتاب به جا و بی جا ظاهر می‌شود (به عنوان نمونه نگاه کنید به ج ۲، عکس‌های شماره ۱۳۳-۱۷۹).

نویسنده در مدارس دولتی آن زمان، که شاگردانش بچه‌های کسبه و پیشه‌ور دستفروش و دوره‌گرد بودند، با تنگدستی درس خوانده و خاطرات خود را از آن دوران با ایجاز و استحکام و بسیار مؤثر در دو صفحه شرح می‌دهد: «تا به خاطر می‌آورم مادر ستمکش خود را می‌دیدم که اول سال و وسط سال و آخر سال جهت اسم‌نویسی و کم و زیاد نمره و رفع ایرادات وارد به دست و پای مدیر و ناظم افتاده زار می‌زند...» کلمات اهانت‌آمیز مدیر، که «ما بچه - گدای نمی‌خواهیم»، چون کارد به قلبش خورده و از دم برنیاورده با اشک و زاری و التماس که «گدایی ما را به آقایی خودتان ببخشید» از مدیر و ناظم طلب عفو نموده تا سر کلاس روانه‌اش بکنند، «بی‌کاغذی و قلمی... زندگی و پابرهنگی‌ام را ببخشاید... و خودم همیشه کلاه شیطانی سرم باشد و یک لنگه پا بیرون در کلاس یا جلو مستراح یک پا و یک دست بالا نگه داشته بایستم و بچه‌ها به دستور مدیر تَف تَفام بکنند. کف پاهایم همیشه از چوب و فلک و پشت دست‌ها و ناخن‌هایم همواره از چوب معلم سیاه باشد.» (ج ۵، صص ۴۶۲-۶۳).

نویسنده استبداد را از عوامل عمده عقب‌ماندگی اجتماعی می‌داند و می‌گوید: «سلاطین و فرمانروایان در نشستن بر سریر حکومت اول کارشان بستن جاده درک و شعور و گشودن در جهل و خرافه و بریدن زبان و شکستن قلم و سوزاندن کتاب بود.» از جمله از آغا محمدخان تا محمدعلیشاه را مثال می‌آورد و آنگاه می‌رسد به دوران جدید که «کار فشار حکومت بر مطبوعات و اهل قلم و اندیشه... به آخرین حد رسید» (ج ۱، ص ۲۸۰). نویسنده روحیات و خلیقیات ناپسند مردم را تابعی از رفتار فرمانروایان می‌داند، به مصداق «الناس علی ذین ملوکهم».

نویسنده هر جا فرصتی پیش می‌آید دوران انحطاط و اواخر قاجاریه را به باد انتقاد می‌گیرد. چنان که هنگام شرح افراد سودمند و سربار می‌گوید:

اگر پنجاه درصدشان را هم جزو کارآمدها به حساب آوریم، کارهایشان نه به جز لبوفروشی و گردوفروشی و آب‌زرشکی و گلاب‌شکری و پنج‌شاهی به پانزده شاهی و سقایی و آب‌بیخی و فال نخودی و معرکه‌گیری و پرده‌گردانی و شیرخانه‌داری و قمارخانه‌داری و دعانویسی و آی فال می‌گیریم و سرکتاب باز می‌کنیم و چای‌دارچینی و زالوفروشی و دلاکی و تون‌تابی و چارواداری و حمالی و دلالی و قاچاق‌چی‌گری و آب حوض‌کشی و هیزم‌شکنی و دوره‌گردی و... و مفید‌فایده‌هاشان هم آنهایی که می‌توانستند لولئینی ساخته، لوله، دسته آفتابه‌ای لحیم کرده، چاک قیابی به هم آورده، نعل اسب و الاغی کوفته، چهارپایه و کرسی‌ای درست بکنند و بقیه نیز بقال و چغقال و عطّار و بزاز و رزاز و حلاج و سراج و کفّاش و پینه‌دوز و امثال آن که سرهم را تراشیده... و دیگرانی مانند میدانی و دلال و بارفروش و خیر و اسب و شتر فروش و تنها کار و کارکنشان کشاورزی و کشاورز، آن هم به همان طرق ابتدایی گاواهن و بیل و اینکه هزار تثنان نتوانند کار یک تراکتور را انجام بدهند و در امور مغزی و صنعتی صفر، که گفتی مردم عصر حجر می‌باشند. (ج ۱، صص ۲۸۱-۸۲).

۳۷۰

۱

به عقیده نویسنده این وضع همچنان بزقرار بود تا اواخر قاجاریه و حلول پهلوی که شروع دیگرگونی‌ها بوده در وضع شهر و احوال مردم اصلاحاتی شده است. وی آنگاه کارهای رضاشاه را برمی‌شمرد، از جمله خیابان‌کشی شهرها و میدان‌سازی و تعویض روکار ساختمان‌ها، تجدید رنگ و نقاشی در و پیکر، حکم‌میز و صندلی گذاشتن در قهوه‌خانه‌ها، سنگفرش خیابان‌ها، جاده‌کشی و راه‌سازی، احداث خط آهن سراسری، ساختن مهمانخانه‌ها و مهمانسراها در شهرها، پل‌سازی و آب‌رسانی، بسنجانگذاری دانشگاه و مدارس ابتدایی و متوسطه، ایجاد ساختمان‌های جدید دولتی، خدمت نظام اجباری، تأسیس سربازخانه‌ها و نقاط دیدبانی و پاسگاه ژاندارمری در تمام نقاط و کارهایی از این دست که «نه تنها بیکاره‌ها با کار شدند بلکه چندان کسر کارگر بوجود آمد که مردم را برای کار جلب می‌کردند.» (ج ۱، ص ۲۸۳). به گمان نویسنده، رضاشاه پادشاهی بود «مصمم و پرکار و با اراده، مستقیم‌الرأی و بارشستکار، کم‌خنده و پر تخکم و با قدرت ذاتی و حدت بسیار و این که می‌توانست خود را به سرعت با هر مقام هم‌رنگ بکند. و از معایش حرص زیاد به ملک و مال و اینکه در هر روز آب و خاک و ده و باغ و خانه و مزرعه‌ای به نامش ثبت می‌شود و بر

سر این مامورانش صاحبان آنها را به بدترین معذبات عقوبت نموده...» (ج ۲، ص ۶۳۰).

فصلبندی کتاب و عناوین اصلی و فرعی آن از آغاز تا پایان همانند قالب و چارچوب فهرست مطالب در احصائیه سال ۱۳۰۱ بلدیۀ تهران است. تقلید از فهرست بلدیۀ چند حسن و یک ایراد بزرگ دارد. از خوبی های آن یکی تشویق نویسنده به انجام این کار بزرگ است. پس از این بابت باید هم از گردآورندگان «احصائیه بلدیۀ» ممنون باشیم و هم از عکاس قدیم تهران علی خادم که این آمار را در اختیار نویسنده گذارده است. دیگر آنکه، برخی از مکان ها و بسیاری از حرفه ها و اصناف مردم و گروه های اجتماعی و بیماری های رایج و مقولات جمعیت و نیروی انسانی که در احصائیه آمده راهنما و راهگشای نویسنده شده و شرح و تفصیل آنها بر جامعیت مطالب کتاب افزوده است. سرانجام اینکه، آمار و ارقام احصائیه کتاب را غنی تر کرده است. اما عیب بزرگ طبقه بندی مطالب در احصائیه بلدیۀ آنست که از زوال معین و منظم پیروی نمی کند و، در نتیجه، مطالب را بدون نظم و ترتیب متداول در طبقه بندی مشاغل پشت سرهم ردیف کرده است. دنباله روی کامل از زوال احصائیه بلدیۀ سبب پراکندن مطالب و موارد همگون و حتی مربوط به یک موضوع در فصل های گوناگون شش جلد کتاب شده و گاهی چنان شوریده و آشفته که گویی کشکول درویش است.

عنوان فرعی جلد اول «جغرافیا و اماکن» است، که به پیروی از چهارچوب احصائیه بلدیۀ تهران با مساحت و جمعیت محلات و شماره خانه ها و اطاق ها آغاز می شود، آنگاه به آمارهای نیروی انسانی و جمعیت و سپس به اماکن عمومی می پردازد و دست آخر دوباره سر وقت آمارهای جمعیتی می رود. حال آنکه باید مطالب در دو بخش - یکی مربوط به مشخصات محلات و خانه ها و اماکن عمومی و دیگری درباره جمعیت و نیروی انسانی - تدوین شود. بخش عمده مطالب جلد ششم کتاب، که درباره شغل های متفرقه غیر مجاز و نیز انواع اعتیادها و گرایش های رفتاری است (ص ۲۲۴-۵۰۰) قاعدتاً باید در همین جلد اول و ضمن بحث از نیروی انسانی (گروه های سربار اجتماعی) بررسی شود. البته نویسنده تا حدی از آشفتگی و بی نظمی زوال تدوین مطالب در احصائیه بلدیۀ آگاه بوده است، لکن آن را تنها ناشی از بی اعتنائی به ترتیب الفبایی مشاغل دانسته است. چنانکه در ذیل جداول آماری مشاغل بلدیۀ یادآور شده است که «تا معلوم شود نامنظم بودن و غیر حروف تهجی آوردن مشاغل کتاب به همین خاطر بوده است.» (ج ۱، ص ۲۷).

اما تنظیم فهرست مشاغل بر حسب حروف تهجی نیز چاره ساز نیست و در اینگونه موارد باید از طبقه بندی متداول مشاغل استفاده کرد. بنابراین، تمام شش جلد کتاب به ویرایش اساسی و جابه جایی عناوین و فصل ها نیاز دارد تا مطالب آن منظم و یکدست شود، مطالب تکراری آن حذف و مطالب همانند در هم ادغام شود و مطالب فرعی و جزئی به زیر نویس ها منتقل گردد.

جدول های احصائیه حدود ۵۰۰ شغل و گروه اجتماعی را دربر می گیرد که غالب آنها بر حسب ذوق و اطلاع نویسنده کتاب در جلدهای دوم تا ششم با شرح و تفصیل و تصویر آمده است. جلد دوم شامل ۷۵ حرفه است از نساجی تا سلمانی؛ جلد سوم از حمامی آغاز می شود و تا شربت

آلات فروشی پیش می‌رود و روی هم نزدیک به صد حرفه را دربر می‌گیرد؛ جلد چهارم حدود صد حرفه را شرح می‌دهد، از شیرکچی خانه تا ماشینچی خط آهن؛ جلد پنجم از ساربان آغاز می‌شود و تا قبرکن و قاری و مرده‌شوی حدود صد حرفه را شامل می‌شود؛ جلد ششم از متولی و خدمه امامزاده آغاز می‌شود و تا ورزشکار و پهلوان و صحیح‌العمل و نادرست ادامه می‌یابد و حدود صد عنوان را دربر می‌گیرد. بخشی از جلد آخر به مشاغل غیرمجاز اختصاص دارد، از جمله انواع دزدان همچون دزدخانه‌بر، جیب‌بر، کف‌رو، کیف‌انداز، بغچه گردان، قمارباز، مرده گردان، کفن دزد، زن و دختر خودفروش، زن تک‌پیران، پالنداز، پسر خودفروش، دلال لواط، دلال زنان شوهردار، باج‌گیر و حق‌راه‌گیر و آدم‌لخت‌کن. در آخر این بخش آمار و اطلاعات جالبی دربارهٔ اعتیادها و تسامیلات جنسی و نوع پوشاک مردم آمده است زیر عنوان «حالات و صور متفرقه مردم» که آمار آن به درصد داده شده که باید تقریبی و مبنی بر حدس و گمان باشد. از جمله درصد مردان زن‌پسند، درصد مردان متمایل به پسر، درصد همجنس‌نگهدار، مرد بیمار جنسی، هم‌میلی میان زنان و دختران و پسران، خرباز و یابوباز، الکلی، تریاکی، حشیشی و بنگی، سیگاری، قلیانی، چپقی، عمامه‌به‌سر، فینه‌به‌سر، کلاه نمندی، کلاه مقوایی، شیر شکرکی به سر، سبزو سیاه به سر، عرق‌چین به سر، کپی به سر، متفرقه به سر (همچون کلاه پوستی به سر)، فکلی، کت-شلواری، عبا-قبایی، سرداری و مرادبگی به تن، ژنده‌پوش، عور بدون تن‌پوش، آوازه‌خوان، غزلخوان و سخنور. سخن که به پایان می‌رسد، نویسنده دچار اندوه می‌شود که «ای کاش آمار بلدیۀ دامنه‌دارتر از این بود که می‌شد به بهانه‌اش کمی باعزیزان حرف بزنم.» (ج ۶، ص ۴۸۷).

شرح اصناف و پیشه‌ها در مواردی چند به تفصیل آمده و حاوی اطلاعات بسیار جالب و سودمند است. در مواردی به اختصار برگزار شده و در مواردی نیز به کلی از یاد رفته است. از جمله مباحثی که به تفصیل آمده پوشاک و مشاغل مربوط به آنست که حدود ۲۰۰ صفحه را دربر می‌گیرد (ج ۲، صص ۴۸۰-۶۸۳)، که اگر حرفه‌های نساجی و جوراب‌بافی و کلاه‌فروشی و مانند آن را نیز، که در جاهای دیگر کتاب پراکنده است، بدان بیفزاییم حجم آن به حدود ۳۰۰ صفحه می‌رسد. در این بخش انواع لباس‌های مردانه و زنانه و قواعد لباس پوشیدن، وضع خیاط‌ها، فرم لباس زنان و انواع آن و انواع کلاه معرفی شده است. از انواع مشاغل دینی چون عالم مذهبی، پیشنماز، مدرّس، طلبه، واعظ، روضه‌خوان، مدّاح، نوحه‌خوان، قبرکن، تلقین‌خوان، قاری، متولی و خدمه امامزاده و مسجد، مسأله‌گو و معرکه‌گیر نیز به تفصیل بحث شده است (ج ۵، صص ۶۷۶-۷۷۰ و ج ۶، صص ۱-۴۴). از مباحث مفصل دیگر تقالی و تعزیه‌خوانی (ج ۵، صص ۵۰۶-۵۶)، دعانویسی، رمالی، جن‌گیری و علوم غریبه (ج ۵، صص ۲۵۲-۳۰۱)، معمار و بنا و گچ‌کار (ج ۵، صص ۵۷۴-۶۰۴)، گاریچی و سورچی (ج ۲، صص ۱۰۴-۳۱)، دوساقچی و زندانبان (ج ۵، صص ۳۶۶-۴۰۴)، قصابی و سلاخی (ج ۲، صص ۳۶۰-۸۳)، خبازی (ج ۲، صص ۳۸۴-۴۰۶) و انواع مشاغل پزشکی است (ج ۵، صص ۴۰۵-۵۶).



جعفر شهری

احمد اشرف

از مواردی که با اختصار برگزار شده مبحث تجارت است، که در آمار بلدییه ۳۵ خرفه را دربر می‌گیرد. در این مورد تنها به شرح کوتاهی (ج ۵، صص ۳۰۳-۳۰۶) دربارهٔ تجار و برخی حالات و خفیات آنها بسنده کرده و هیچ توضیحی دربارهٔ تجاری که به تجارت خارجی و داخلی و یا مخلوط خارجی و داخلی می‌پرداخته‌اند نداده و انواع تجارت را بدون شرح رها کرده‌اند. بویژه شرح صرافی، دلالی اجناس تجارتمی و دلالی املاک، که در بازار اهمیت خاص داشته، به کل از یاد رفته است.

در مواردی که شرح حرفه‌ها به تفصیل آمده گذشته از توصیف حرفه، ابزار کار و شرایط محیط کار و محصولات آن و دستمزد صاحبان حرفه‌ها و بهای کالاهایشان، مسایل اجتماعی و تاریخی و افسانه‌ها و خرافات و ضرب‌المثل‌ها و استعاره‌های مربوط به هر حرفه را نیز از گنجینهٔ خاطرات خویش چاشنی زده است. چنانکه در ضمن بحث از حرفهٔ خراطی از کارگشا بودن تراشه‌های دکان خراطی و مثل‌های مربوط به خراطی نیز سخن گفته است (ج ۲، صص ۷۱-۷۲)، و یا در مورد حرفه‌های سلاخی (ج ۲، ص ۳۷۰)، یا حلاجی (ج ۳، صص ۶۰-۶۵) و یا ضرب‌المثل‌های مربوط به چراغ (ج ۳، ص ۹۷). در مواردی نیز از فرصت استفاده کرده وقایع و یا رسوم اجتماعی مربوط به حرفه را عنوان کرده‌اند، مثل شرح شتر قربانی ضمن بحث دربارهٔ ساریان (ج ۵، صص ۱۲-۱)، و یا موضوع معجزهٔ سقاخانهٔ نوروزخان، که ضمن معرفی حرفهٔ سقایی آمده است (ج ۵، صص ۹۸-۱۲۹). در مواردی نیز افراد سرشناس حرفه را معرفی کرده و شرح حال مختصری از آنان به

دست داده است که بسیار سودمند است، از جمله نقالان نامدار و زورخانه داران معروف و سقا‌های محبوب و مطرب‌های سرشناس و آوازخوان‌های مشهور (ج ۵، صص ۲۴۹-۵۰، ۵۱۳-۱۶، ۵۷۲، ۶۱۴، ۶۲۵). در مواردی نیز انتقاد اجتماعی را چاشنی زده و از جمله انتقاد از عوام و مقدس نماها که هنرمندان را خوار می‌کردند: «هرگز تاری جز در کیسه و گونی کاه و پوشال و در زیر عبا نمی‌توانست حمل شود که آلت فسق و فجور و خاصه که فاسق نیز همراهش بود، باید شکسته و صاحبش کتک خورده، و لباسش پاره شود.» (ج ۲، ص ۷۷). یا بحث از تمایلات جنسی در ادوار مختلف ضمن معرفی پسر خود فروش.

در مواردی نیز، بر حسب موضوع و یا در زیر نویس عکس‌ها، به تفصیل به توهّمات توطئه «صاحب» (سیاست انگلیس) پرداخته است، همچون توطئه مداوم از فتنه افغان تا به امروز برای ربودن طلا و نقره ایران در مبحث نقره‌سازی (ج ۲، صص ۲۱۹-۲۱)، بلوای مشروطیت، در زیر نویس عکس‌های تحصن بزرگ در سفارت انگلیس (ج ۲، عکس‌های شماره ۱۴۷-۴۹)، بردن احمدشاه و آوردن رضاشاه با تعهد انجام خدماتی چون تمدید قرارداد نفت و احداث راه آهن سراسری و اتحاد لباس و کشف حجاب در شرح عکس‌ها و اسناد جلد دوم (در صفحه مقابل عکس شماره ۱۵۴)، آوردن و بردن محمدرضاشاه که چون او را نیز پس از ۳۷ سال فراموشی قدرت گرفت دچار سرنوشت پدر نمودند. (ج ۲، صص ۳۹۸، ۴۰۶)، یا قحطی مصنوعی سال‌های ۱۳۲۰ به بعد، که به وسیله آتش زدن غلات پدید آوردند، در فصل خبثازی (ج ۲، ص ۳۹۶)، و یا اشاعه تریاک (ج ۵، صص ۲۳۰-۳۱).

۳۷۴

در مواردی نیز به شرح روحیات و خلیقات افراد هر حرفه پرداخته است که برای اهل اجتماعات بسیار سودمند است. در تأثیر شغل در افراد می‌گوید:

هر شغلی و عمل حالتی برای عامل آن می‌آورد مانند قهوه‌چی‌گری و مرده‌شویی که دریدگی و بی‌چشم و رویی و سورچی‌گری و شوفری که بی‌حیایی و دریدگی، و شیشه‌بری که چشم‌تنگی، نانوایی و قصابی که دزدی، و اداری که تبختر و بزرگ‌فروشی و در عین حال چشم به دست ارباب رجوع داشتن و رشوه‌خواری، و مالیه‌چی‌گری که نظر تنگی و عدلیه‌چی‌گری که پشت‌هم‌اندازی و جیب‌کنی و نظمی‌چی‌گری قلدرمآبی و بلدی‌چی‌گری بست طبیعی. (ج ۵، ص ۳۴۸).

از مباحث جالب دیگر شرح روحیات تهرانی‌های اصیل است که ضمن معرفی حرفه‌های گردویی و دوغی و شربتی آمده است:

کسبه‌های این چنینی اصل‌مندزاده‌ترین افراد تهرانی هستند که کمترین خلطی در نطفه‌هایشان راه نیافته حقیقت تهرانی‌ت در وجودشان باقی مانده بود، از آنکه تهرانی یعنی بیکاره، تنبل، تن‌پرور، بی‌حوصله، بی‌شکیب، حاضرپین، گریزان از پیش‌بینی و مآل‌اندیشی، جسور، شریر، دروغ‌گو، زودرنج، عصبانی، زودپیبوند، زودگسل، مفت‌بر، مفت‌خور، بددهن، ناهنجار، بی‌ثبات، جاهل، متلون، ناآرام، مفرط، متوقع، جسور، عجول، خشن، زودباور و خوش‌باور، ساده‌ لوح، باگذشت بغایت و بی‌گذشت بنهایت، فراری از اندیشیدن و تفکر، صوفی مسلک، ساده‌طلب، گول‌خور، نامطمئن، دروغ‌گو، پر قسم، سخت‌اعتقاد و بی‌اعتقاد، متوکل به دروغ و متدین به ریا، بی‌ادب، بی‌فرهنگ... در این صورت بهترین قاعده شناخت تهرانی اصیل آن بود که به کسب و کارشان ملاحظه شده بنگرند که اگر لبویی و دوغ فروش و گردو فروش و چاغاله‌بادامی و باقلا پخته‌ای و طبق کش و بساطی خیار و میوه‌دانه و باج‌گیر و حداکثر آب بند و قهوه‌چی آنچه از این قبیل تهرانی و اگر غیر آن و اندک استحکام و اعتباری در کسب و کارشان پیدا غیر تهرانی و لااقل دورگه بوده... و هرآینه کسب و کارهایی بهتر از آن مانند مؤسسه و تشکیلات و تجارت و دادوستدهای بزرگ داشتن بوده باشند از هر دو طرف یعنی هم از پدر و هم از مادر مخلوط داشته. (ج ۶، صص ۸۵-۸۶).

در مواردی نویسنده برخی از نهادهای قدیم را می‌ستاید، از جمله تقالی را که:

بزمی بوده سالم و محفلی آکنده از فهم و دانش و ادب که در این یک ساعت شنونده بسا سخنان نشنیده شنیده بسا پند و عبرت‌ها آموخته، شعر و غزل یاد گرفته، داستان و حکایت و روایت به سینه سپرده، پس از دوران آن خود نیمچه نقال و نیمچه فاضل شده بود و به همین جهت و وسیله همین نقل‌ها و نقال‌ها هم بود که هر بیسواد صد و هزار مثل و مثل و قصه و حکایت و شعر و غزل در حافظه داشته کمتر کسی بود، حتی عمله گل‌کش و کوچه به خواب هرزه‌گرد، که مقداری شعر و سخن در سینه نداشته، در آخر کار فرد منظم مرتب تعلیم دیده ادب و آداب دانسته‌ای نشده باشد. (ج ۵، ص ۵۱۹).

روش نویسنده در این کار آنست که خاطرات و مشاهدات خود را به آثار مکتوب و اسناد و مدارک تاریخی آورده نکند و بکارت مطالب راتضمین نماید. چنانکه در جایی می‌گوید «در نوشتن این تاریخ و تاریخ قبل از این به نام گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم هرگز سر خود در کتاب و نوشته‌ای نکرده‌ام تا سبب تداخل ذهنی و اغتشاش حافظه، که باعث اختلال در صحت و یقین دانسته‌هایم می‌گردد، نشود». (ج ۴، ص ۷۸۴). و در جای دیگر می‌گوید، تا خواننده «با خیال آسوده بر اینکه مطالب و اطلاعات دست اول به دست می‌آورد به کتاب بنگرد» (ج ۱، صص ۴۹، ۵۹). بنابراین، طبیعی است که بخشی از مطالب کتاب کامل‌تر و مفصل‌تر و مشروح‌تر از بخش‌های دیگر باشد و

برخی مطالب دقیق‌تر از مطالب دیگر عرضه شود و کمبودها و ایرادها و خطاهایی در کار دیده شود. کاری به این بزرگی و پهناوری نه کاری تن است و نه به اتکای یک روش تحقیق (خاطرات فردی) شدنی. چنین کاری هنگامی کامل می‌شود که ما به اهل حرفه‌های گوناگون نیز رجوع کنیم و خاطرات و مشاهدات آنان را درباره حرفه خودشان ثبت و ضبط کنیم و توجه داشته باشیم که استفاده از تاریخ شفاهی منافاتی با به کار بردن روش‌های متداول در تاریخ‌نگاری ندارد بلکه این روش‌ها و فنون تحقیق مکمل یکدیگرند.

با این همه انصاف باید داد که نویسنده تاریخ اجتماعی تهران از این آزمایش خطیر بر روی هم کامیاب بیرون آمده و اثری پدید آورده است که نمی‌توان سودمندی‌های بسیار آن را نادیده گرفت. ما باید از نویسنده دانشمند و بلندهمت کتاب سپاسگزار باشیم که گنجینه پر بهای خاطرات خودشان را در خدمت تاریخ اجتماعی ایران گذارده‌اند و اثری خواندنی و ماندنی برجای نهاده‌اند. اثری که بی‌اغراق حاوی هزاران نکته و اطلاع و خاطره تاریخی و اجتماعی از زندگی روزمره مردم است. حتی در مواردی که ایشان به داوری حوادث تاریخی نشسته‌اند و مطالبی را عنوان کرده‌اند که بی‌چون و چرا نمی‌توان پذیرفت، از آن جهت که تصورات مردم را یادداشت کرده‌اند خدمت شایانی به روشن شدن برخی نکات تاریخی کرده‌اند، از جمله مطالب مربوط به توهم قوطنه‌های بیگانگان در سیر حوادث و مشی وقایع تاریخ معاصر ایران و نیز داوری درباره روحیات و خلقیات مردم و یا آراء مردگرایانه ایشان نسبت به زنان.

۳۷۶

یکی از خوبی‌های کتاب نیز ساده آنست «تا سخن به همان سبک و سیاق و املاء و انشاء و اصطلاحات محاوره اوایل قرن باشد.» دیگر اینکه به خاطر روانی و شیرینی کلام و مباحث گوناگون آموزنده و سرگرم‌کننده‌اش کتابی است خواندنی. از خوبی‌های دیگر کتاب مجموعه بزرگ عکس‌های آنست، که بیش از ۹۰۰ قطعه عکس و سند را (در ۸۵۷ شماره) از مناظر گوناگون تهران و صاحبان حرفه‌ها و محل کار آنان به دست می‌دهد. دیگر اینکه، هر جلد شامل فهرست عمومی اعلام و نیز فهرست ضرب‌المثل‌ها و طعنه‌ها و کنایه‌ها و استعاره‌هاست که استفاده از مطالب گوناگون کتاب را آسان می‌کند. امید است که این کار بزرگ را مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی دنبال کنند و تا فرصت هست با صاحبان هر یک از حرفه‌ها مصاحبه‌هایی برای ضبط خاطراتشان ترتیب داده شود تا دانشنامه جامع و کاملی هم بر مبنای تاریخ گسترده شفاهی و هم بر اساس بررسی انتقادی منابع و مأخذ و اسناد و مدارک تاریخی برای حرفه‌های گوناگون فراهم آید.